

(مقاله پژوهشی)

تحلیل بازنمایی فرهنگ جنسیتی در رمان‌های نویسندگان زن ایران طی سه دهه

غزل کریمی سنگدهی^{۱*}، رضا ستاری^۲، سید قاسم حسنی^۳

چکیده

در میان همه ژانرهای ادبی، رمان بیشترین ارتباط را با جامعه و زندگی واقعی دارد. همچنین نویسندگان زن، برای نوشتن از جنبه‌های گوناگون زندگی و جنسیت خویش، از آغاز گونه ادبی رمان را برگزیده‌اند. این مقاله با روش تحلیل محتوایی به بررسی مسائل مربوط به زنان در رمان‌های نویسندگان زن سه دهه ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ ایران می‌پردازد و تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی هر دهه را بر محتوای رمان‌ها نشان می‌دهد. به همین منظور، از هر دهه دو رمان برای بررسی انتخاب شده و نتیجه حاکی از آن است که دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسیاری بر دیدگاه نویسندگان زن در پرداخت شخصیت‌ها و مسائل زنانه دارد و تحول محتوای رمان‌ها منطبق با تحولات جامعه و متأثر از آن است. در رمان‌های دهه ۱۳۷۰، سلطه مردانه و خشونت پررنگ‌تر است و زنان قدرت و جایگاهی ندارند. شخصیت‌های زن رمان‌های دهه ۱۳۸۰ نیز شرایط تقریباً مشابهی با دهه قبل دارند و بحث هویت‌یابی در این دهه بسیار پررنگ و مهم است. زنان رمان‌های دهه ۱۳۹۰ اما به استقلال و آزادی عمل دست یافته‌اند، فعالانه در جامعه حضور می‌یابند و دغدغه‌ها و مطالبات متفاوتی دارند.

کلیدواژگان

بازنمایی، تحولات اجتماعی رمان، فرهنگ جنسیتی، نویسندگان زن.

ghazal.mrga@gmail.com
rezasatari@umz.ac.ir
g.hassani@umz.ac.ir

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

۳. استادیار مردم‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۰

مقدمه

جنسیت که یکی از ملاک‌های اجتماعی- فرهنگی مهم برای دسته‌بندی افراد جامعه است، در زمینه‌های مختلف فرهنگی مانند سینما، رسانه‌ها، ادبیات و... به‌عنوان عاملی گریزناپذیر نمود پیدا می‌کند و رفتارهای جنسیتی جوامع مختلف را اغلب از طریق محصولات فرهنگی آن‌ها می‌توان دریافت. گستره مفهوم جنسیت آن‌چنان پهناور است که نمی‌توان از آن گذشت یا آن را نادیده گرفت و هنرمند در اثر خود خواه‌ناخواه با درون‌مایه جنسیت و مسائل مربوط به آن روبه‌رو می‌شود.

ادبیات نیز یکی از ابزارهای مهم شناخت فرهنگ و نوع تفکر هر جامعه است و در میان همه انواع ادبی، رمان بیشترین ارتباط را با جامعه و زندگی واقعی دارد. «عرصه رمان‌نویسی محملی برای بازتاب نگرش‌ها، گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که بنا بر ضرورت روزگار و تحولات گسترده اجتماعی- سیاسی به وجود آمده است. اقبال و گستردگی و ظرفیت کم‌نظیر این ژانر و تناسب شگفت‌آور آن با موقعیت انسان مدرن، نویسندگان معاصر را به این فهم رسانده است که جامعه را از یک‌سو و عقاید و اندیشه‌های خویش را از دیگر سو در ظرف رمان به بازنمایی و محاکات درآوردند» (قاسم‌زاده ۱۳۹۵: ۱۸۲). از همین روست که میلان کوندرا آن را «کاوشی درباره چند و چون زندگی بشری» می‌داند (کوندرا ۱۳۶۷: ۷۵).

رمان، در طول تاریخ خود، در ایجاد و انتقال تعریف‌های جنسیت نیز توان چشمگیری نشان داده است. جنسیت، به‌سان نخستین شخصیت شناخته‌شده واقعی هر اثر داستانی، به‌ناگزیر بخشی عمده از مطالبی را که رمان‌نویس با آن رو در روست دربر می‌گیرد (مایلز ۱۳۸۰: ۱۵۰). علاوه بر این، زنان از میان همه گونه‌های ادبی، بیش از همه رمان را برگزیده‌اند و در عرصه رمان‌نویسی حضور پررنگ و مؤثری دارند. دگرگونی‌های گسترده دهه‌های اخیر، سبب ایجاد فرصت برای نویسندگان زن، در نوشتن از احساسات و مسائل زنانه در قالب رمان شده است. در ایران، از ابتدای تحولات مشروطه تا سال ۱۳۱۰ تنها اثر زنانه کتاب *خاطرات تاج‌السلطنه* است که در سال ۱۳۰۳ نوشته شد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ نویسندگی زنان به مرتبه‌ای رسیده بود که برای اولین بار به انعکاس مسائل و رنج‌های جنس زن می‌پرداخت. در این دوره، گروهی از نویسندگان یک جریان داستان‌نویسی زنانه پدید می‌آوردند و برخی از آنان به چهره‌های طراز اول داستان‌نویسی ایران تبدیل می‌شوند (غلام‌حسین‌زاده و دیگران ۱۳۹۱: ۲۰۲ و ۲۰۴). روند افزایش تعداد نویسندگان زن چنان پیش می‌رود که در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ در برابر هر سه نویسنده مرد، با دو نویسنده زن مواجهیم. این تحولات در عرصه داستان‌نویسی مصداق‌رهایی زنان از سلطه ادبیات مردسالار است. زنان با مشارکت در تعریف و تصویر جنسیت خود سعی کردند به آفرینش جهانی زنانه در آثار ادبی خود و در نتیجه تثبیت ادبیات زنانه بپردازند (سراج ۱۳۹۴: ۱۶).

آثار زنان شواهدی عینی برای شناخت روابط جنسیتی جامعه و تحولات جاری ارائه می‌دهند. نویسندگان زن در اغلب رمان‌هایشان سعی در نشان‌دادن نابرابری‌های جنسیتی و تأثیرات آن بر زندگی و روح و روان زنان دارند و می‌توان از خلال محتوای این رمان‌ها، ساختارهای سلطه بر زنان و مقاومت‌های آنان در برابر سلطه را آشکار کرد (ولی‌زاده ۱۳۸۷: ۹۵).

این مقاله قصد دارد به بررسی جنسیت و مسائل زنان در رمان‌های نویسندگان زن سه دهه ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ ایران بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که تحولات اجتماعی در جامعه ایران طی این سه دهه چه تأثیری بر نگاه نویسندگان در پردازش شخصیت‌های زن و نقش و جایگاه آنان داشته و مصادیق جنسیتی در فراگرد خلق رمان‌ها طی این سه دهه چه اندازه دست‌خوش تغییر و تحول شده است؟

پیشینه پژوهش

درباره نویسندگان زن، جنسیت و مسائل زنانه در رمان‌ها، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، اما به شکلی که در این مقاله به صورت مقایسه بین سه دهه مورد نظر است کاری تا کنون به چاپ نرسیده است. در اینجا به تعدادی از آن‌ها که با موضوع این مقاله در پیوند هستند اشاره می‌شود:

- پرستش و ساسانی‌خواه (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان» طبق نظریه نورمن فرکلاف به بررسی رمان‌های نویسندگان زن در دوره اصلاحات می‌پردازند و به این پرسش پاسخ می‌دهند که جایگاه زنان در گفتمان فرهنگی دوره اصلاحات چگونه است.

- بشیری و محمودی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درون‌مایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن‌محور زنان داستان‌نویس» به بررسی روند دگرگونی موضوعات مرتبط با زنان در داستان‌های دو دوره تاریخی پیش و پس از انقلاب (از ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰) می‌پردازند. موضوعات مورد پژوهش در این مقاله، چهار عنوان دوران کودکی، عشق، ازدواج و زندگی زناشویی و ارتباط مادر و فرزندی هستند.

- سراج (۱۳۹۴) در کتاب گفتمان زنانه (روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی) برمبنای تلفیق دیدگاه‌های جامعه‌شناسی زبان، زبان‌شناسی رمان و نظریه زبان به‌مثابه نظام نشانه‌شناختی اجتماعی هلیدی، به بررسی سیر و تحول گفتمان زنانه در ده رمان از نویسندگان زن پرداخته است. وی ابتدا به تحلیل رمان‌های منتخب در سطح معنایی، نحوی و منظورشناختی پرداخته و سپس روند تکوین گفتمان زنانه را از منظر روایت‌گری زنانه، بازاندیشی هویت زنانه، نقش اجتماعی زن، کیفیت تعامل زنان نسبت به تغییر شرایط، ضعف‌های شخصیت‌های زن در حیطه شخصیتی، جنسی و اجتماعی و شخصیت زن و مرد آرمانی در آثار نویسندگان زن بررسی کرده است.

- نجفیان، حسام‌پور و پورگیو (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل گفتمان‌های قدرت و جنسیت در آثار نویسندگان زن دهه ۱۳۸۰» با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان به بررسی آثار سه نویسنده زن در دهه ۱۳۸۰ پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که دگرگونی در گفتمان‌های قدرت و جنسیت حاکم در نحوه کاربرد زاویه دید، شیوه روایت و موضوع داستان‌ها تأثیر مستقیم داشته است. وجه تمایز مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌های حوزه زنان و رمان در این است که علاوه بر بررسی مصادیق فرهنگ جنسیتی در رمان‌های نویسندگان زن طی سه دهه و نشان دادن تحولات آن، به تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی هر دهه بر تحول مسائل مربوط به زنان در رمان‌ها نیز پرداخته است و با تطبیق شرایط اجتماعی و فرهنگی هر دهه و جایگاه زنان در آن، با رمان‌های به‌چاپ‌رسیده در همان دهه، در پی اثبات تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر است.

چارچوب مفهومی

جنسیت و رمان: قصه و داستان از زمان آغاز زندگی بشری همواره وجود داشته؛ اما گونه ادبی رمان چندان قدمتی ندارد. در ادبیات اروپا، رمان سه قرن پیش‌تر از ایران تولد یافت و خواه‌ناخواه تجربه آن به دیگر کشورها صادر شد. ظاهراً قالب تازه رمان در اروپا با دون‌کیشوت اثر سروانتس اسپانیایی و در سال ۱۶۰۵ شروع شد. رمان چه از نظر شماره، چه از لحاظ زبان و ساختار در قرن نوزدهم به اوج شکوفایی خود رسید؛ به همین دلیل این قرن را دوره خاصی در تاریخ داستان‌نویسی اروپا به حساب می‌آورند.

در ایران، رمان به سبک و سیاق اروپایی، پس از تحولات اجتماعی-سیاسی انقلاب مشروطه و رسوخ فرهنگ غرب در صحنه ادبیات پدیدار شد. نویسندگان بسیاری تحت تأثیر ترجمه و ضرورت‌های خاص فرهنگی به سوی بیانی صمیمی‌تر، عاری از پیچیدگی‌های لفظی و صنایع دست‌وپاگیر سنت ادبی گذشته، دست به تألیف رمان‌واره‌هایی زدند. اولین تجربه‌ها در زمینه تلاش برای نوشتن رمان، سفرنامه‌نویسی‌هایی مانند *سفرنامه ابراهیم‌بیگ*، *مسالک‌المحسنین* و... و خاطره‌نویسی‌هایی است که از منظر من‌راوی نقل می‌شود؛ مانند کتاب *احمد* (رحمانی ۱۳۹۶: ۶ و ۷) تا اینکه نخستین رمان فارسی، *شمس و طغرا*، که رمانی تاریخی است در سال ۱۲۷۸ نوشته شد و نخستین رمان اجتماعی فارسی نیز با نام *تهران مخوف*، در سال‌های آغازین ۱۳۰۰ به چاپ رسید.

رمان مهم‌ترین و رایج‌ترین گونه ادبیات داستانی دوره معاصر است که توأم با بهادادن به فردیت و تجربه فردی، ظرفیت‌های فراوانی را نیز برای پیوند با جامعه و بازتاب فرهنگ و مناسبات سیاسی-اجتماعی جوامع گوناگون دارد و رمان‌های هر دوره شاید بیش از هر گونه ادبی دیگری، آینه‌ای برای شناخت جامعه زمان خود باشند.

لوکاچ رمان را حماسه دوران مدرن قلمداد می‌کند (رحیمی ۱۳۹۵: ۸۳). شهرام پرستش به

نقل از نظریهٔ رمان وی می‌نویسد: «گونهٔ ادبی رمان که به روش‌های گوناگون ماجرای جدایی جان و جهان را حکایت می‌کند، درحقیقت متناظر با دوران جدید است. دورانی که یگانگی جان و جهان یا ارزش و امر واقع از هم گسیخته و کلیت از دسترس دور مانده است» (پرستش ۱۳۸۳: ۳ و ۴).

رمان، در طول تاریخ خود، در ایجاد و انتقال تعریف‌های جنسیت نیز توان چشمگیری نشان داده است. جنسیت، به‌سان نخستین شخصیت شناخته‌شدهٔ واقعی هر اثر داستانی، به‌ناگزیر بخشی عمده از مطالبی را که رمان‌نویس با آن رو در روست دربر می‌گیرد (مایلز ۱۳۸۰: ۱۵۰). منظور از جنسیت افکار و مفاهیمی دربارهٔ مردانگی و زنانگی است که به صورت اجتماعی بر ساخته می‌شوند و محصول مستقیم جنس زیست‌شناختی فرد نیستند. جنسیت از جنس، که تفاوت‌های کالبدی و فیزیولوژیک بدن مرد و زن را تعریف و مشخص می‌کند، متمایز است و به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی زنان و مردان مربوط می‌شود (گیدنز ۱۳۹۳: ۱۵۶).

جنسیت در متون ادبی به سه شکل منعکس می‌شود؛ نخست، توجه به زنانه‌نویسی در مقابل نوشتار مردانه که در این حالت جنسیت یکی از ویژگی‌های فرهنگی نویسنده است. دوم، توجه به زبان جنسیتی در متن که گویای ویژگی‌های ریخت‌شناسی متون است و سوم توجه به متن، به‌منزلهٔ معرف زمان و مکانی خاص که می‌توان جنسیت‌های فرهنگی و ریخت‌شناسانه را در متن، چونان ترجمان واقعیت زندگی انسانی - اجتماعی شناسایی کرد (محمدی اصل ۱۳۸۸: ۶۸).

رمان تنها گونهٔ ادبی است که شمار زیادی از زنان در آن سهیم بوده‌اند و حضورشان در آن کمابیش با مردان همانندی داشته است. نویسندگان زن، تقریباً از آغاز نوشتن، گونهٔ ادبی رمان را بر گونه‌های دیگر ادبی ترجیح داده‌اند و این فرم ادبی به صورت وسیله‌ای برگزیده درآمده است که زنان جنبه‌هایی از زندگی جنسی‌شان را با آن پژوهیده و منتشر کرده‌اند. جنبه‌هایی که پیش از این در پهنهٔ هنر یا در جامعه به آن توجهی نمی‌شده است (مایلز ۱۳۸۰: ۳۸). «در نتیجه درحالی که تولید بیشتر نظام‌های دلالتی در اختیار مردان است و آن‌ها از موقعیت ممتازتری در برساختن جنسیت برخوردارند، رمان گستره‌ای است که به زنان این توانایی را بخشیده که خود در تعریف و چون‌وچرا بر سر مرزبندی‌های جنسیتی نقشی فعالانه داشته باشند» (ولی‌زاده ۱۳۸۷: ۱۹۴).

نقد زن‌محور: فمینیست‌ها به دلایل گوناگونی به ادبیات و متون ادبی توجه نشان داده‌اند. از جمله آنکه ادبیات را منبع مهمی برای شناخت و انتقال فرهنگ‌ها دانسته‌اند و دیگر اینکه آثار ادبی می‌توانند مخاطبان بسیاری را به خود جذب کنند و به همین دلیل، در فرهنگ‌سازی نقش مؤثری دارند. بنابراین، فرهنگ و ادبیات تأثیر متقابل و تعامل انکارناپذیری با یکدیگر دارند که مورد توجه فمینیست‌ها نیز قرار گرفته است.

همچنین از نظر فمینیست‌ها یکی از عواملی که موجب انتقال تبعیض‌های جنسیتی می‌شود

ادبیات است و نقد فمینیستی با بررسی موشکافانه آثار ادبی، به‌ویژه رمان، در جست‌وجوی دلایلی است که نشان دهد چگونه تبعیض جنسیتی از طریق ادبیات، حتی ناآگاهانه، ترویج می‌شود (پاک‌نیا و صادقی ۱۳۹۷: ۹۳). نقد فمینیستی با رویکردی زن‌محور جایگاه زنان را در آثار ادبی بررسی می‌کند و منتقدان آن با بازنمایی نابرابری‌ها و کلیشه‌های جنسیتی و به چالش کشیدنشان در پی آن هستند که آثار ادبی را از سیطره فرهنگ مردسالار و قوانین آن خارج کنند.

از نظریه‌پردازان این مکتب می‌توان به سیکسو، ایری گری، کریستوا، شووالتر و چند تن دیگر اشاره کرد (شمیسا ۱۳۸۵: ۳۸۸). با وجود رهیافت‌های متکثر در نظریه‌های نقد فمینیستی، نوشته‌های نظریه‌پردازان فمینیست بیانگر دو گرایش عمده در این شیوه است. گرایش اول با عنوان «جلوه‌های زن» به بازنمایی زن در آثار ادبی، به‌ویژه آثاری که مردان نوشته‌اند، می‌پردازد. گرایش دوم، «نقد زنان» نامیده می‌شود و نظریه‌پرداز اصلی آن الین شووالتر است. در این نوع نقد، به زن در مقام نویسنده توجه می‌شود (پاینده ۱۳۸۳: ۱۴۲ و ۱۴۳).

تاریخچه نقد فمینیستی مصادف است با انتشار کتاب *اتاقی از آن خود* اثر ویرجینیا وولف، نویسنده انگلیسی و این نقد از آغاز تا کنون سه موج را پشت سر گذاشته است. تأکید فمینیست‌های موج اول بیشتر بر کسب حقوق قانونی یکسان بود و فمینیست‌های موج دوم کوشش کردند تا تصورات کلیشه‌ای درباره زن‌بودگی را تغییر دهند. موج سوم اما اهداف یکپارچه و یکسانی ندارد و بیشتر در پی گسترش دامنه شمول مباحث در پیوند با این دیدگاه است (پاینده ۱۳۹۷: ۷۵-۸۰).

در ایران، توجه به مسائل زنان هم‌دوش با جنبش مشروطه‌خواهی آغاز شد. روشنفکران ایرانی که با تحولات جهانی در مغرب‌زمین آشنا شده بودند، به دفاع از حقوق زنان پرداختند که نمونه آن را در نشریه *دانش* می‌توان دید که صاحب‌امتیازش یک زن بود و نخستین شماره آن در سال ۱۲۸۹ منتشر شد (ببران ۱۳۸۱: ۳۵). این آشنایی و توجه با ایجاد مدارس جدید و آموزش زنان شتاب بیشتری گرفت و به ورود بیشتر زنان به عرصه اجتماع انجامید. پیدایی نویسندگان زن و رشد بی‌سابقه تعداد آنان و همچنین رشد کیفیت آثار منتشرشده زنان، از دستاوردهای مهم ادبیات معاصر ایران به حساب می‌آید. همچنین پژوهش‌گران بسیاری به آثار ادبی زنان توجه نشان داده و به نقد و بررسی آن‌ها از منظر واکاوی‌های فمینیستی و زن‌محورانه پرداخته‌اند که در حوزه زنان و ادبیات حائز اهمیت و توجه است.

روش تحقیق و جامعه آماری

روش این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است و جمع‌آوری اطلاعات به روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. تحلیل محتوای کیفی، روشی است برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند یا طراحی الگوهای شناخته‌شده. در

این مقاله، با هدف مقایسه سه دهه، مصادیق فرهنگ جنسیتی در رمان‌های نویسندگان زن ردیابی شده است.

جامعه هدف در این پژوهش، شش رمان از شش نویسنده زن است. از هر سه دهه ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰، دو رمان برای بررسی انتخاب شده است. معیار انتخاب رمان‌ها، پیرنگ‌بودن نقش زنان و دغدغه‌های جنسیتی در آن‌هاست و سعی بر این بوده که رمان‌های منتخب از میان رمان‌های فاخر و برنده جایزه‌های ادبی مختلف باشند. از دهه ۱۳۷۰، رمان‌های *کولی کنار آتش* (منیرو روانی‌پور) و *انگار گفته بودی لیلی* (سپیده شاملو). از دهه ۱۳۸۰، رمان *رؤیای تبت* (فریبا وفی) و رمان *دیگران* (محبوبه میرقدیری). از دهه ۱۳۹۰ نیز رمان‌های *پاییز فصل آخر سال است* (نسیم مرعشی) و *ناتمامی* (زهره عبدی).

انتخاب این سه دهه به دلیل تحولات مهم در عرصه داستان‌نویسی زنان و همچنین رشد چشمگیر تعداد نویسندگان زن و تثبیت سبک زنانه در این دوران است. همچنین، جدای از عرصه داستان‌نویسی و رمان، در این سه دهه، تحولات فکری و فرهنگی بسیاری را شاهدیم که موجب تغییر کلیشه‌های جنسیتی سنتی موجود در جامعه و نیز تغییر جایگاه و نقش‌های زنان و مردان شده است.

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی هر دهه بر رمان‌ها، ابتدا نگاهی اجمالی به جامعه ایران و نقش و جایگاه زنان در این سه دهه می‌اندازیم و پس از آن به تحلیل و بررسی رمان‌ها می‌پردازیم.

نگاهی به جامعه ایران در سه دهه اخیر

دهه ۱۳۷۰ در ایران، دهه گذر و تحول است؛ گذر از جنگ و ویرانی‌های آن و تحول نسلی و فکری جامعه. سال‌های اول دهه ۱۳۷۰ سیاست‌های بازسازی کشور در رأس همه فعالیت‌های دولت قرار گرفت و به همین دلیل، سال‌های ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی که از سال ۱۳۶۸ آغاز و در سال ۱۳۷۶ پایان یافت، به دوران سازندگی معروف شد.

سواد و آموزش، رشد درخور توجهی در این دوره داشته؛ به طوری که در سال ۱۳۵۵ جمعیت باسواد کشور ۱۲ میلیون و ۸۷۷ هزار نفر بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۴۱ میلیون و ۵۸۲ نفر ترقی پیدا کرده است. به طور کلی، گسترش سواد، آموزش و پرورش و آموزش عالی در کشور، آگاهی‌های عمومی را گسترش داده و زمینه‌های نوگرایی را فراهم آورده است (زیباکلام و دیگران ۱۳۸۹: ۶۳ و ۶۴).

دوم خرداد ۱۳۷۶، پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری ایران، آغازگر دورانی است که به دوره اصلاحات معروف است. «با به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط اصلاح طلبان، تا حدودی بسط آزادی‌ها انجام شد و فعالیت‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی و نیز حرکت‌هایی در راستای تأمین آزادی بیان و اجتماعات صورت گرفت.» (مقصودی و راهبر ۱۳۹۴: ۲۲۶). به همین سبب «در ایران دهه ۱۳۷۰ شاهد تحولی ساختاری در جامعه هستیم که موجب ظهور فضای ارزشی جدیدی شد. منظور از تحول ساختاری، مجموعه‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی و جمعیتی و فرهنگی است که جامعه ایران در سال ۱۳۷۶ را به جامعه‌ای متمایز با ایران سال ۱۳۵۷ بدل می‌ساخت. یکی از شاخصه‌های این تحول ساختاری، عبارت است از تحول اساسی در ترکیب جمعیتی و تبدیل ایران به جامعه‌ای که اکثر آن را جوانان تشکیل می‌دهند. ... بیش از ۷۰ درصد از جمعیت آن زمان کشور در فضایی پس از انقلاب اسلامی رشد یافتند و هیچ تصویری از حکومت پهلوی و انقلاب به طور مستقیم در ضمیر خود نداشتند» (عباس‌نیا ۱۳۸۷: ۵۴).

سال‌های اول دهه ۱۳۸۰ نیز با پیروزی مجدد محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰، ادامه وضعیت سیاسی و اجتماعی سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ است. اما در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ محمود احمدی‌نژاد، که از جبهه اصول‌گرایان بود، به پیروزی رسید. «با به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد و طرفداران او، تغییراتی گسترده در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آغاز می‌شود؛ تغییراتی که قبل از هر چیز می‌توان آن را در راستای تکرار دهه اول انقلاب دانست و لذا از این دوران با عنوان دوران بازگشت به اصول انقلاب نام برده می‌شود. احمدی‌نژاد پس از به قدرت رسیدن تلاش نمود شرایط اول انقلاب را بازسازی کند. درست مخالف با سیاست‌های تنش‌زدایی خاتمی، به مقابله با غرب و به‌ویژه آمریکا و اسرائیل پرداخت. همچنین احمدی‌نژاد بر سیاست اسلامی‌سازی جامعه و اصلاح انحرافات که توسط دولت‌های پیشین به وجود آمده بود اصرار می‌ورزید.» (علی‌زاده ۱۳۹۰: ۱۴۴). در این دوره، شاهد توقیف و لغو امتیاز بسیاری از مطبوعات هستیم.

در خرداد ۱۳۹۲، با پایان یافتن دولت محمود احمدی‌نژاد، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران متحول شد. حسن روحانی توانست اعتماد احزاب و فعالان اصلاح‌طلب را جلب کند و پیروز انتخابات شود. روزهای آغازین وزارت جنتی، وزیر ارشاد دولت روحانی، روزهای خوشی برای فعالان فرهنگی و هنری بود. همان هفته‌های اول قفل خانه سینما باز شد. اوضاع نشر هم بهبود یافت. کتاب‌هایی که در سال‌های قبل اجازه نشر نیافته بودند، تجدید چاپ شدند و وزارت ارشاد اسلامی توانست تعامل خوبی با اصحاب فرهنگ و نشر برقرار کند (تابناک ۱۳۹۳: ۱۰).

تغییر رویکرد از فرهنگ امنیتی به امنیت فرهنگی، افزایش چشمگیر فروش سینماها،

برپایی گالری‌ها و برگزاری کنسرت‌ها و جشن‌های فرهنگی، بازگشایی انجمن‌های ادبی و هنری، افزایش حضور نویسندگان و هنرمندان گوشه‌گیر در سطح اول جامعه، صدور آسان‌تر مجوز کتاب، دسترسی به سایت‌های اینترنتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تصویب قانون برای حمایت از فعالان رسانه‌های دیجیتال از اقدامات دولت یازدهم در حوزه فرهنگی کشور بوده است (گروه فرهنگ و هنر ۱۳۹۵: ۲۸).

در دهه ۱۳۹۰، استفاده از تلفن همراه و فضاهای مجازی بسیار فراگیر شد و اشخاص با هر سن و سال و از هر طبقه‌ای در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند. اطلاعات و اخبار به سرعت منتقل می‌شود و مردم جامعه به راحتی با بزرگان عرصه‌های مختلف، هنرمندان، ورزشکاران، مسئولان و... ارتباط برقرار می‌کنند. ارتباط با خارج از ایران و کشورهای غربی نیز به وسیله شبکه‌های اجتماعی آسان‌تر شده و کسب و کارهای فراوانی نیز در شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده است. همچنین، تعداد ازدواج‌های ثبت شده در این دهه کاهش یافته و در مقابل آن، آمار طلاق‌های ثبت شده افزایش یافته است. بالارفتن سن ازدواج، مستقل زندگی کردن جوانان از خانواده‌هایشان و پدیده ازدواج سپید از تحولات مهم جامعه ایران دهه ۱۳۹۰ است.

وضعیت و جایگاه زنان در سه دهه اخیر ایران

«پس از پایان جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی، برخی زمینه‌ها، به‌ویژه در عرصه فرهنگی، برای فعالیت‌های مستقل زنان فراهم آمد. با سیاست‌های مبتنی بر توسعه اقتصادی (بازار آزاد) و همچنین ارتقای تعاملات بین‌المللی، حاکمیت متقاعد به اتخاذ سیاست‌هایی شد. این مسئله در مورد زنان خالی از لطف نبود. سفر برخی از زنان به نمایندگی از دولت ایران در دو کنفرانس جهانی زنان که اولی در سال ۱۹۸۵ در نایروبی و دومی در سال ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد، زمینه‌هایی برای برخی فعالیت‌های زنان فراهم کرد؛ ولی مجال برای فعالیت‌های مستقل از دولت همچنان بسیار محدود بود» (هوشمند ۱۳۸۹: ۱۴۲). «همچنین پس از انقلاب برای اولین بار در سال ۱۳۷۰ پستی در حد مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان به بانوان اختصاص داده شد. در همین زمان، چندین مشاور وزیر و تعداد ۳۴۲ مدیر ارشد نیز از میان زنان در نهادهای دولتی فعال بودند و ۱۵ زن متخصص نیز شورای فرهنگی و اجتماعی زنان را برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به زنان تشکیل دادند» (کار ۱۳۸۰: ۱۳۰). بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ تعداد نشریات زنان رو به فزونی گرفت و علاوه بر نشریات تخصصی زنان، نشریات خانوادگی نیز افزایش یافتند. در سال ۱۳۷۵، ۲۷ نشریه دارای مدیرمسئول زن بودند که از میان آن‌ها می‌توان به نشریاتی چون *ندا*، *رهروان*، *سمیه*، *جلوه هنر*، *طوبی*، *ریحانه*، *بانو* و ماهنامه *زنان* اشاره کرد (عباس‌نیا ۱۳۸۷: ۷۳).

در این سال‌ها، به دنبال تغییر نگرش زنان، تمایل بیشتری به اشتغال و کسب درآمد و

ضرورت آموزش عالی برای دختران احساس می‌شد و مسائل دیگری همچون گرایش بیشتر برای ازدواج با غیر فامیل، معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده، ناپسند شمردن ازدواج با بیش از یک زن و... مطرح می‌شد؛ اما شرایط رسیدن به چنین خواسته‌هایی در عرصه جامعه همچنان محدود بود. تحول در نگرش جامعه نسبت به زنان و افزایش چشمگیر زنان تحصیل‌کرده و شاغل سبب شد که مقام و موقعیت اجتماعی که به معنای پایگاه اجتماعی برتر است برای زنان، حتی بیش از مردان اهمیت پیدا کند (علی‌زاده ۱۳۹۰: ۱۲۳). «تمربخشی مقاومت اجتماعی زنان و تأثیر تغییر فضای جامعه ایرانی بر حوزه سیاست‌گذاری را می‌توان در قوانین تصویب‌شده به سود زنان در مجلس ششم ملاحظه کرد. در بیست و نهم بهمن ۱۳۷۸، انتخابات مجلس ششم برگزار شد و سیزده زن وارد مجلس شدند و برای نخستین بار فراکسیون زنان مجلس توسط آنان تشکیل شد. آنان توانستند قوانینی را به سود زنان به تصویب برسانند: از جمله، تعیین حداقل سن ازدواج، اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور، موارد عسر و حرج، افزایش سن حضانت کودک توسط مادر تا هفت‌سالگی و افزایش نفقه زنان در دوران عده» (ربیعی ۱۳۸۵: ۱۶۹).

در آغاز کار دولت احمدی‌نژاد، یکی از موضوعات مطرح‌شده حجاب و پوشش زنان در راستای اسلامی‌کردن دوباره فضای اجتماعی بود و فعالیت‌هایی از جانب دولت برای مبارزه با بدحجابی و رسیدگی به وضعیت پوشش زنان انجام شد. درعین‌حال، انجمن‌ها، گروه‌ها و کمپین‌های زیادی طی سال‌های دهه ۱۳۸۰ جهت برابری حقوق زنان و مردان، رفع تبعیض‌های جنسیتی، جلوگیری از خشونت علیه زنان و... شکل گرفتند که در شناساندن حقوق زنان به آنان مؤثر بودند. در زمینه تحصیلات تکمیلی بر شمار دختران حاضر در دانشگاه‌ها افزوده شد و حتی از آمار پسران هم پیشی گرفت. علاوه بر این‌ها، بیشترین حضور زنان را در هیئت دولت در دولت‌های نهم و دهم، یعنی دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، شاهد هستیم. در این سال‌ها، ۱۷ زن ایرانی توانستند در هیئت دولت حضور پیدا کنند. با وجود این «برای حضور زنان در حوزه عمومی محدودیت‌هایی وجود دارد و دستگاه‌های دولتی بیشتر برای کنترل زنان در فضای عمومی برنامه‌ها و اقداماتی را انجام می‌دهند؛ از جمله می‌توان به طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، طرح محرم‌سازی مدارس دخترانه، تصویب قانون جدید گذرنامه برای خانم‌ها، که براساس آن زنان بدون اجازه شوهر یا والدین اجازه خروج از کشور را ندارند، طرح تفکیک مترو و مراکز اداری شهرداری تهران در مجلس شورای اسلامی و تصویب طرح امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد» (سبزه‌ای ۱۳۹۵: ۸۰).

«هرچند در دهه ۱۳۸۰ زنان در عرصه‌های سیاسی اجتماعی حضور گسترده‌تری دارند، به دلیل غلبه گفتمان مردسالار در ساختار قدرت، تغییری اساسی در ساختار خانواده و نقش‌های

جنسیتی خانوادگی صورت نپذیرفته است؛ چنان‌که تأثیر این گفتمان در ژانرهای مختلف داستان، فیلم، نمایش‌نامه و... که برگرفته از بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه و بازنمود رخداد‌های آن است، گواهی بر این واقعیت است.» (ارمی و دیگران ۱۳۹۶: ۳۷)

در آغاز دهه ۱۳۹۰ و در جریان انتخابات سال ۱۳۹۲ حسن روحانی وعده ایجاد وزارت زنان، ایجاد فرصت‌های برابر با مردان و خاتمه‌دادن به گشت‌های ارشاد در خیابان‌ها را داد. با آن که روحانی نتوانست به وعده خود در ایجاد وزارت خانه‌ای برای زنان عمل کند یا زنی را به پست وزارت بگمارد، در مقایسه با دولت‌های قبل، گشایش‌هایی در زمینه مشارکت سیاسی زنان در دوره ریاست‌جمهوری وی شاهد هستیم و او چهار زن را به مقام معاونت برگزید. از جمله اقدامات معاونت رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده در این دوره می‌توان به توان‌افزایی تشکل‌های غیردولتی زنان و خانواده، توان‌افزایی زنان روستایی برای آموزش و تولید و...، مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان، اقدامات حقوقی برای بهبود وضعیت زنان مانند تهیه لایحه برابری دیه زن و مرد در جرایم عمدی، افزایش حداقل سن ازدواج دختران و...، حمایت از حضور زنان در ورزش و ورزشگاه‌ها، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و... اشاره کرد (معاونت امور زنان و خانواده ۱۳۹۸). از جمعیت چهار میلیون و سیصد هزار نفری دانشجویان در ایران، دو میلیون دانشجوی دختر و دو میلیون و سیصد هزار دانشجوی پسر هستند. نسبت درصد زنان و مردان در مقطع کارشناسی مساوی است. در کارشناسی ارشد تعداد بانوان بیشتر از مردان است؛ اما ناگهان در مقطع دکتری حضور زنان کاهش چشمگیری دارد. حدود ۲۷ درصد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها را نیز زنان تشکیل می‌دهند (معاونت امور زنان و خانواده ۱۳۹۸). از لحاظ آزادی‌های اجتماعی و فردی اما، زنان ایران هنوز اجازه ورود به بسیاری از فضاهای عمومی مانند استادیوم‌های ورزشی را ندارند و با خشونت‌های روزمره در خیابان‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. دولت روحانی در مورد برچیدن گشت ارشاد نیز نتوانست به وعده‌هایش جامعه عمل ببوشاند.

بررسی رمان‌های دهه ۱۳۷۰

کولی کنار آتش

این رمان نخستین‌بار در سال ۱۳۷۸ توسط نشر مرکز به چاپ رسیده و داستان دختری کولی به نام آینه است که در جنوب ایران زندگی می‌کند. او به اصرار پدر به رقصیدن برای مردان وادار می‌شود و پدر از این طریق کسب درآمد می‌کند. آینه به مرد نویسنده‌ای که به تماشای رقص او آمده بود دل می‌بندد و خود را به او تسلیم می‌کند. این حادثه سبب طرد شدن آینه از قبیله و سفر او به شیراز و پس از آن تهران می‌شود. او در این مسیر با زنان گوناگونی (زن سوخته، اکلیم، پیرزن باغ میوه و کارخانه، گل‌افروز، قمر و...) آشنا می‌شود که هر یک در تحول

شخصیت او نقشی دارند. آینه به تنهایی از تمامی موانع و مشکلات عبور می‌کند و در نهایت نیز نقاش موفقی می‌شود و خود را به اهالی قافله‌ای که طردش کرده بودند اثبات می‌کند.

انگار گفته بودی لیلی

این رمان نخستین اثر سپیده شاملو است که در سال ۱۳۷۹ توسط نشر مرکز به چاپ رسید و جایزه بهترین رمان اول بنیاد گلشیری را از آن خود کرد. داستان ماجرای زنی است به نام شراره که همسرش در جریان جنگ تحمیلی بر اثر اصابت بمبی به خانه همسایه از پشت بام پرت می‌شود و جان می‌سپارد. شراره که از همه لحاظ به همسرش وابسته بود، بعد از او شرایط دشواری را پشت سر می‌گذارد تا به تدریج به استقلال برسد. او عکاس و فیلمبردار موفقی می‌شود و پس از سال‌ها تصمیم می‌گیرد با آشنایی قدیمی ازدواج کند؛ اما حوادث گوناگونی مانع قطع پیوند او با گذشته و همسر اولش می‌شوند. در این میان، ماجرای زن دیگری به نام مستانه نیز روایت می‌شود که خواهر همسر شراره است و پس از ازدواج با محمود به شرایط دشواری گرفتار شده است. مستانه پس از سال‌ها تحمل رنج و عذاب، در نهایت با شنیدن خبر فوت مادرش، منزل محمود را ترک می‌کند و به آزادی می‌رسد؛ اما بیماری صرع و مشکلات روحی و روانی سبب می‌شوند تا او دست به خودکشی بزند و جان بسپارد.

مصادیق خشونت در زندگی شخصیت‌های زن:

شهرلا اعزازی در تعریف خشونت علیه زنان، به نقل از سازمان جهانی بهداشت می‌نویسد: «هر نوع عمل خشونت‌آمیزی که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی و روانی زنان بینجامد، یا آنکه احتمال منجر شدن آن عمل به این نوع آسیب‌ها و رنج‌ها وجود داشته باشد، از مصادیق خشونت شمرده می‌شود. از جمله تهدید به این‌گونه اعمال، زورگویی یا محروم‌سازی خودسرانه از آزادی؛ خواه آنکه در ملأعام روی دهد، خواه در زندگی خصوصی» (اعزازی ۱۳۸۳: ۵۰).

در بررسی رمان‌های دهه ۱۳۷۰ آنچه بیش از همه به چشم می‌خورد، بازنمایی مصادیق گوناگون خشونت علیه زنان، اعم از خشونت‌های جسمی و روحی است. شخصیت‌های مرد صاحب‌اختیار مطلق خانواده و زنان هستند و فرهنگ مردسالار فرصت هرگونه سوءاستفاده از ضعف‌ها و وابستگی‌های زنان را به آنان می‌دهد. پدر آینه، قهرمان داستان *کولی کنار آتش*، او را به رقصیدن در مقابل چشم مردان غریبه و آشنا وادار و از مردان در ازای تماشای رقص دخترش پول دریافت می‌کند. آینه حتی اگر خسته یا بیمار باشد، مجبور است تا لحظه‌ای که مهمان رضا بدهد و پولی در جیب پدرش بگذارد برقصد. مردان دیگر قبیله نیز تنها از طریق زنانشان کسب درآمد می‌کنند و خود تمام روز را در چادرها به استراحت می‌پردازند. چندهمسری برای

مردان امری عادی به حساب می‌آید و زنان نیز راهی جز پذیرش آن ندارند. نداشتن استقلال، وابستگی، ترس از قضاوت دیگران و قیح طلاق از موارد دیگری است که نویسندگان این رمان‌ها، به‌عنوان خشونت‌های روانی علیه زنان، به آن‌ها اشاره کرده‌اند. زنان مدام با ترس از طلاق یا مرگ همسر زندگی می‌کنند، زیرا در فضای ترسیم‌شده رمان‌ها، هیچ‌گونه امنیتی برای زنان مطلقه و بیوه وجود ندارد و زنان مطلقه گناه‌کارانی شناخته می‌شوند که مدام زیر نظر خانواده، همسایه‌ها و دیگر اطرافیان هستند و کوچک‌ترین رفتار آنان بدترین قضاوت‌ها را در پی خواهد داشت.

چلو همه گفت که تو هیچ حقی نداری، که تو زنی هستی مطلقه، که دوازده ساله طلاق دادم... از همون روز بود که نگاه‌ها واگشت... شدم یه پول سیاه... به‌خصوص پسرانم، جوری نگاه می‌کردن که انگار دائم می‌پرسیدن این‌همه سال به بهانه روضه و... کجا می‌رفتی؟ (روانی‌پور ۱۳۹۷: ۱۷۰ و ۱۷۱).

نویسندگان با آفرینش شخصیت‌های مردی که با بهانه نافرمانی به تنبیه بدنی زنان می‌پردازند، به نمونه‌هایی از خشونت‌های جسمی نیز اشاره کرده‌اند. در رمان *کولی کنار آتش*، قانون قافله برای دخترانی که نافرمانی کنند آن است که پنج روز مردان قافله با شلاق به جانشان می‌افتند و پس از پنج روز، اگر از ضربات شلاق و کتک‌ها جان سالم به در ببرند، طرد می‌شوند. زنان از جانب همسران خود نیز خشونت‌های جسمی را متحمل می‌شوند و حق اعتراض ندارند.

چقدر تو اتاق کتک خوردم و دهنمو گذاشتم رو بالش که صدام درنیاد؟ باز می‌گفتم شکر می‌آد خونه... (همان: ۱۶۹).

برخورد محمود با مستانه، در رمان *انگار گفته بودی لیلی*، یکی از بازنمایی‌های بزرگ خشونت علیه زنان است. او هر بار به دلایل گوناگون با شلاق به جان مستانه می‌افتد و در طول زندگی مشترکشان آن‌قدر این عمل را تکرار می‌کند که مستانه به آن به‌عنوان بخشی از زندگی خود خو می‌کند.

شخصیت‌های زن در کنار پذیرش خشونت، گاه خود نیز در خشونت علیه هم‌جنسان خود شریک می‌شوند. در جوامع پدرسالار، زن به تدریج به موجودی تبدیل می‌شود که خود او سلطه را به صورت نیابتی اعمال می‌کند. زن دیگر کسی نیست که در مقابل قدرت قرار داشته باشد، بلکه خود او مناسبات قدرت را بازتولید می‌کند. او هم‌زمان به کسی که سلطه را اعمال می‌کند و سلطه را می‌پذیرد تبدیل می‌شود و به تعبیری، هم‌زمان هم فاعل قدرت است و هم مفعول قدرت. در چنین شرایطی، زن دیگر آگاهانه آزادی خود را سرکوب نمی‌کند، بلکه در تقویت سازوکار قدرت، فاقد هرگونه اراده و روشن‌بینی است (خجسته و فسایی ۱۳۹۶: ۳۵).

هویت‌یابی زنان

در رمان‌های دهه ۱۳۷۰، زنان هویت را مانند میراثی از مادران به فرزندان دختر خود منتقل می‌کنند و دختران طبق الگوی مادر، رفتار و زندگی می‌کنند. همه زنان در واقع از یک نوع الگوی هویتی پیروی کرده و از خود هیچ عقیده و تفکری ندارند. هویت مستقل برای آنان بیشتر به آرزو یا رؤیا شبیه است و تا زمانی که شرایط زندگی، آنان را تغییر ندهد، دغدغه هویت‌یابی ندارند. آینه، شراره و دیگر زنان داستان به خود به‌عنوان فردی مستقل باور ندارند و تصور می‌کنند باید هویت خویش را در وجود یک مرد بیابند. در هر دو رمان، اتفاقاتی برای شخصیت‌های اصلی زن داستان می‌افتد که شرایط زندگی آنان را دگرگون می‌کند. آنان از مردان زندگی خود جدا می‌شوند و مسیری را پیش روی خویش می‌یابند که ناچارند به‌تنهایی آن را طی کنند. زنان در این مسیر تلاش می‌کنند هویت فردی خویش را باز یابند و به استقلال دست پیدا کنند؛ اما همه آنان موفق نمی‌شوند. شراره پس از مرگ همسرش، به‌رغم تلاش برای رهایی از گذشته و وابستگی‌هایش، هرگز از لحاظ روحی به استقلال نمی‌رسد. مستانه نیز پس از علی، که تکیه‌گاه ایمن او بود، نمی‌تواند با تکیه بر خود، رنج حاصل از نبود برادرش را پشت سر بگذارد. او به محمود، که خاطرات زیادی از علی دارد، پناه می‌برد و هویت آسیب‌دیده خود را به او می‌سپارد. مستانه تا انتهای داستان هرگز موفق به بازیابی هویت حقیقی خویش نمی‌شود و خودکشی را تنها راه نجات می‌یابد. در رمان *کولی کنار آتش* نیز شخصیت‌های زنی که آینه در طول سفر خود با آنان روبه‌رو می‌شود، هیچ‌یک نمی‌توانند به هویت فردی دست یابند و استقلال خود را باور کنند؛ تنها خود آینه است که با تحمل رنج‌های بسیار و حوادثی که برایش پیش می‌آید، سرانجام درمی‌یابد که منجی خود اوست و او با تکیه بر خود و توانایی‌هایش می‌تواند به جایگاهی که همیشه حسرتش را داشته برسد. آینه، در انتهای رمان، هویت گم‌شده‌اش را بازمی‌یابد و شخصیت مستقل خود را می‌سازد؛ هر چند آسیب‌های فراوانی می‌بیند و ناملایمات گوناگونی را در این راه تحمل می‌کند.

قدرت زنان در نهاد خانواده

زنان رمان‌های دهه ۱۳۷۰ تقریباً هیچ‌گونه قدرتی در خانواده‌ها ندارند؛ مردان در همه امور بر آنان مسلط هستند و آن‌ها در بیشتر موارد حتی اختیار جسم و ذهن خویش را نیز ندارند و تصمیم‌گیری برای نحوه زندگی خود و خانواده را به مردان واگذار می‌کنند. در رمان *کولی کنار آتش*، تنها مردان قبیله تصمیم‌گیرنده و صاحب‌اختیار هستند و زنان در هیچ‌یک از تصمیمات مربوط به خانواده یا قبیله دخالتی ندارند. در رمان *انگار گفته بودی لیلی*، شراره در بسیاری از موارد با تصمیمات همسرش مخالف است، اما هرگز نظرش را بیان نمی‌کند. همسرش به جای او

نیز تصمیم می‌گیرد و شراره با وجود نارضایتی، تصمیمات همسرش را می‌پذیرد. مستانه نیز در زندگی مشترکش با محمود هیچ اختیار و قدرتی از خود ندارد. محمود علاوه بر تصمیمات خانوادگی، اختیار شخصی‌ترین امور مستانه را نیز در دست دارد. او مستانه را از اشتغال و ادامه تحصیل باز می‌دارد و به او اجازه نمی‌دهد خانواده‌اش را ببیند یا با آن‌ها ارتباط تلفنی داشته باشد. مستانه ناچار است برای هر کاری از محمود اجازه بگیرد و جواب محمود هم در همه موارد منفی است.

در طی این رمان‌ها، افراد مدام تعاریفی از زنانگی ارائه می‌دهند که بسیار محدود است و از تفکرات مردسالارانه ریشه می‌گیرد. این تعاریف و آموزه‌ها چنان در شخصیت زنان نهادینه می‌شود که دغدغه‌ای جز خانه‌داری و کدبانو بودن ندارند و خود را برای تصمیم‌گیری و برعهده گرفتن اختیارات خانواده محق نمی‌دانند.

پدر می‌گفت «خانم یعنی همین» نگاه می‌کرد به قد بلند مستانه که خم می‌شد تا سینی چای را به پدر تعارف کند. تمیز بود. از آشپزخانه که می‌آمد بیرون، انگار نه انگار دو جور غذا درست کرده و یک عالمه هم پیازداغ. نمی‌دانم چه کار می‌کرد. پدر می‌گفت «خانمی یعنی همین» (شاملو ۱۳۹۶: ۵۵).

می‌گفت: «زن اگر زن باشد هر جا باشد، خانم خانه خودش است. می‌گفت حتی یک اتاق هم، حتی یک وجب جا هم می‌تواند خانه زن باشد. زن اگر زن باشد» (همان: ۵۷).

زنان و جامعه

در رمان‌های دهه ۱۳۷۰ نگاه کلی جامعه به زنان نگاهی جنسی و ابزاری است و آنان برای حضور یافتن در اجتماع امنیت روانی ندارند. مردان به آزار و اذیت آنان پرداخته و با مزاحمت‌های گوناگون سبب محدودیت بیشتر زنان می‌شوند. در سرتاسر رمان *کولک کنار آتش* شاهد این‌گونه مزاحمت‌های خیابانی برای زنان، به‌خصوص قهرمان داستان، آینه، هستیم. به‌طور کلی، زنان این رمان به دلیل جنسیتشان محدودیت‌های فراوانی در اجتماع دارند. آنان از بسیاری از حقوق طبیعی مانند تحصیل منع می‌شوند و شخصیتی مانند آینه، که شیفته خواندن و نوشتن است، اجازه باسواد شدن ندارد.

- سواد داری؟ - نه آقا، این چیزا تو ما رسم نیس (روانی‌پور ۱۳۹۷: ۸).

فضای رمان *انگار گفته بودی لیلی* برای حضور شخصیت‌های زن در جامعه بازتر است. شراره و مستانه هر دو در مقطعی از زندگی خود به کاری خارج از منزل مشغول بوده‌اند. مستانه تحصیلات دانشگاهی دارد و اگر همسرش محمود مانع نمی‌شد، قصد ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را نیز داشت. نویسنده این رمان نیز همراه با پرداختن به حضور زنان در جامعه و اشتغال آنان، از موانع و مشکلات این مسیر غافل نمانده. زنان، به‌خصوص زنان بیوه یا مطلقه، در جامعه از

امنیت کافی برخوردار نیستند و به راحتی نمی‌توانند به کار و فعالیت بپردازند. شراره پس از مرگ همسرش، با حضور در اجتماع، بارها با چنین مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. مردان زیادی قصد سوءاستفاده از او را دارند و او هر بار ناچار به تعویض شغل و فرار از موقعیت می‌شود. با وجود همه محدودیت‌ها و خشونت‌ها، نکته‌ای که در این رمان‌ها جالب توجه است، تلاش شخصیت‌های زن برای رهایی از سلطه و استقلال است و نمی‌توان گفت که زنان کاملاً و همیشه منفعل عمل می‌کنند. زنان (به خصوص شخصیت‌های اصلی) در این ساختار مردسالارانه، به‌عنوان یک عامل اجتماعی برای برون‌رفت از سلطه تلاش و تقلا می‌کنند. حال در این مسیر یا مانند آینه موفق می‌شوند یا مانند مستانه تاب نمی‌آورند و به خودکشی دست می‌زنند.

بررسی رمان‌های دهه ۱۳۸۰:

رؤیای تبت

این اثر، سومین رمان فریبا وفی است که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ توسط نشر مرکز به چاپ رسید و موفق به دریافت جایزه بهترین رمان هوشنگ گلشیری و مهرگان ادب شد. داستان، روایت زندگی زنی به نام شیواست که رفتارهای مردسالارانه پدر تأثیر بسیار زیادی در هویت و زندگی او بر جای گذاشته است. شیوا پس از شانزده سال زندگی با جاوید، در شرایطی قرار می‌گیرد که پس از آن دیگر نمی‌تواند به انکار و سرکوب جنسیت و هویت حقیقی خویش بپردازد و به همین سبب تعارضاتی بین او و همسرش ایجاد می‌شود. در این میان، فقط صادق دوست خانوادگی آن‌هاست که شیوا را درک می‌کند و همین، سبب علاقه‌ای ممنوعه بین آن دو می‌شود. شیوا و صادق، که هر دو این احساس را هم از یکدیگر و هم از دیگران پنهان نگه می‌داشتند، در مهمانی‌ای راز خود را فاش می‌کنند.

و دیگران

رمانی از محبوبه میرقدیری که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ توسط نشر روشنگران و مطالعات زنان به چاپ رسید و از سوی جایزه مهرگان ادب به‌عنوان رمان برگزیده سال انتخاب شد. راوی داستان زنی میان سال است که در جوانی با مردی که خود همسر و فرزند داشته وارد رابطه‌ای عاشقانه و پنهانی می‌شود و به همین دلیل هم هرگز ازدواج نمی‌کند. او اکنون برای عمل جراحی زنانه‌ای در بیمارستان بستری است و پی می‌برد که بهار (دختر آن مرد و همسرش زینت) در اتاق روبه‌روی او منتظر زمان زایمانش است. او با دیدن بهار و زینت، در گذشته خود غرق می‌شود و سعی می‌کند در ذهنش تمام وقایع را با مخاطب قرار دادن زینت، برای او اعتراف کند. به‌طور کلی، رمان گفت‌وگویی درونی سرشار از بغض، حسرت، نفرت و ناکامی است که درنهایت با زایمان بهار و ترخیص راوی از بیمارستان به پایان می‌رسد.

مصادیق خشونت در زندگی شخصیت‌های زن:

در رمان‌های دهه ۱۳۸۰، خشونت جسمی و تنبیه بدنی وجود ندارد و این می‌تواند نتیجه تحول فکری و فرهنگی اندک جامعه در رابطه با ارزش و جایگاه زنان باشد که در رمان‌های این دهه نیز بازتاب یافته است. خشونت‌های روانی اما در رمان‌های این دهه به شکل‌های گوناگون وجود دارد. پدر شیوا در رمان *رؤیای تبت* آرزوی فرزند پسر دارد و نمی‌تواند جنسیت دخترش را بپذیرد. او شیوا را وامی‌دارد مانند پسرها رفتار کند و به سرکوب جنسیت خود بپردازد.

آقا جان اسمم را از همان موقع که توی شکم مامان بودم گذاشت حسین. وقتی هم دید حسین نیستم باز هم دوست داشت حسین آقا صدایم بزند. تا هفت هشت سالگی حسین آقا ماندم. موهایم همیشه کوتاه بود و از در و دیوار بالا می‌رفتم (وفی ۱۳۹۶: ۶۷).

شیوا با این تفکر که جنسیت ناقصی دارد، از خودش و چیزی که هست بیزار می‌شود و دائم رؤیای پسر بودن را در سر می‌پروراند. او با این اعتقاد که زن بودن جنس دوم بودن است، ناخودآگاه از احساسات و رفتارهای زنانه پرهیز می‌کند. پدر شیوا زمانی که می‌فهمد دومین فرزندش نیز دختر است، خانواده را ترک می‌کند؛ این در حالی است که همسرش از لحاظ مالی به او وابسته است و با رفتن او هیچ‌گونه درآمدی برای گذران زندگی نخواهد داشت.

مسئله خیانت در رمان‌های این دهه، با انگیزه‌های گوناگون بارها مطرح شده است. شخصیت فروغ نیز به دلیل نازیبودن طرد می‌شود و همسرش زن دیگری اختیار می‌کند. مهرداد شعله را هم سطح خود نمی‌داند و با دختری که مادرش تأیید می‌کند ازدواج می‌کند. موضوع اصلی رمان و دیگران نیز بر پایه خیانت است. شخصیت مرد با این توجیه که علاقه‌ای به همسرش ندارد و از سر دل‌سوزی و ترحم با او ازدواج کرده، به خود اجازه می‌دهد با زنان دیگر روابط نامشروع داشته باشد. او با این تصمیم، علاوه بر خیانت به همسر خود، به دختری که با او روابط پنهانی برقرار می‌کند نیز آسیب می‌رساند.

می‌گفت: یه مبارز زنشو آزار نمی‌ده. هر چند قلباً دوستش نداشته باشه و مرا شب‌هنگام در عبور از خیابانی خلوت به سوی خود می‌کشید. پس یک مبارز وقتی زنش را دوست ندارد معشوقه می‌گیرد و به هر دوی آن‌ها دروغ می‌گوید (میرقدیری ۱۳۹۳: ۳۲).

در این رمان، مردان هیچ فرصتی را برای سوءاستفاده از زنان بیوه از دست نمی‌دهند. پدر راوی نیز به مادر ریحانه، دوست راوی که همسایه یکدیگرند، چنین پیشنهادی می‌دهد. شخصیت‌های زن با هر شرایط و در هر سن‌وسالی امنیت ندارند. اتفاقی که برای راوی رمان و دیگران در سفر به شمال می‌افتد، مزاحمتی جنسی است از جانب مردی که به دروغ وعده ازدواج داده بود. نویسنده این رمان به مزاحمت‌های خیابانی نیز اشاره می‌کند. زنان نمی‌توانند با امنیت خاطر در خیابان قدم بزنند یا منتظر کسی بمانند.

مرد نزدیک می‌شد، نزدیک و نزدیک‌تر. آن قدر که نجوایش را بشنوم: نیامده؟ دیگه نمی‌آد. بیا بریم (همان: ۸).

حتی در کودکی راوی هم مزاحمتی از جانب پسر بچه‌ای رخ می‌دهد و هدف نویسنده از بیان این وقایع، نشان دادن نگاه جنسیتی به زنان و آزار و اذیت آنان در هر سن و سالی است.

هویت یابی زنان

در رمان‌های دهه ۱۳۸۰، بحث هویت بسیار پررنگ است. با توجه به وضعیت زنان جامعه ایران در دهه ۱۳۸۰، بهبود یافتن جایگاه و حقوق آنان و دست‌یابی به هویت فردی، شخصیت‌های زن دو رمان بررسی شده نیز در صدد هویت‌یابی هستند و می‌خواهند با شناخت هویت حقیقی خویش به استقلال برسند و از سلطه مردان خارج شوند. آنان می‌خواهند مستقل از مردان فکر کنند و خودشان تصمیم‌گیرنده زندگی خود باشند. شخصیت‌های زن این دهه، برخلاف دهه قبل، به تحول و کشف هویت خویش وادار نمی‌شوند؛ بلکه خود به شناخت و بازیابی هویت فردی احساس نیاز می‌کنند. آنان با به‌یادآوری خاطرات و کنار هم قرار دادن پازل گذشته خود، پی می‌برند که درک درستی از جنسیت خویش نداشته و هویت حقیقی‌شان را گم کرده‌اند.

شیوای *رؤیای تبت* شخصیتی است که هویتش در کودکی به او تحمیل شده. او از کودکی دائم در تقابل و جنگ با هویت واقعی خویش بوده و از پذیرش آن سر باز می‌زده. حتی ازدواج هم به شیوا برای شناخت هویت و زنانگی‌اش کمکی نمی‌کند. جاوید، همسرش، از زنان دل‌خوشی ندارد و از او انتظار دارد مانند دیگر هم‌جنسان خود رفتار نکند؛ بنابراین شیوا باز هم در جایگاهی قرار می‌گیرد که ناچار به سرکوب هویت واقعی‌اش می‌شود. او پس از سال‌ها تحمل سرکوب و سردرگمی در شناخت خویش، در نهایت تصمیم می‌گیرد دست از تظاهر بردارد، خود حقیقی‌اش را بشناسد و برخلاف خواسته‌های همسرش زنانگی کند.

راوی رمان و دیگران نیز با مرور خاطرات و گذشته خود پی می‌برند که هرگز برای آنکه خودش باشد و آن‌طور که می‌خواهد زندگی کند فرصت نداشته است. او مدام هویت واقعی خویش را از دیگران پنهان می‌کرده و از تصمیمات و احساساتش حتی با نزدیک‌ترین افراد خانواده هم سخن نمی‌گفته. او درمی‌یابد که اکنون خودش نیز هیچ شناختی از هویتش ندارد و به درک درستی از آن نرسیده است.

باورتان می‌شود که من خودم نبودم؟ آن روز و آن روز و آن روز و حالا، کی هستم من؟ (میرقدیری ۱۳۹۳: ۱۶۰).

او تلاش می‌کند با کنار هم قرار دادن وقایع زندگی، هویت خویش را بازیابد؛ اما موفق نمی‌شود. راوی هرگز ازدواج نکرده و از فرزند داشتن محروم مانده است. زنانگی و حس‌های مربوط به آن، مثل آرزوی مادر شدن، شاید تنها بخش زنده هویت راوی بوده که پس از عمل جراحی زنانه‌اش آن را نیز از دست می‌دهد و به این باور می‌رسد که علاوه بر هویت، جنسیتش را نیز گم کرده است و دیگر هیچ امیدی برای ادامه زندگی ندارد.

من... زنی با گذشته‌ای نامعلوم. زنی که نه سایه‌ای بالا سر دارد و نه کودکانی، کودکی حتی! من یک زن تنهایم زینت... (میرقدیری ۱۳۹۳: ۲۷).

قدرت زنان در نهاد خانواده

در رمان‌های دهه ۱۳۸۰، زنان در امور شخصی خود تا حد زیادی صاحب قدرت هستند؛ اما در حوزه‌های دیگر، این قدرت کمتر به چشم می‌خورد. آن‌ها می‌توانند برای خود تصمیم بگیرند و امور شخصی و خصوصی خود را اداره کنند. مثلاً شیوا می‌تواند به‌تنهایی تصمیم بگیرد که جنینش را سقط کند و کسی هم به او خرده نمی‌گیرد. در عین حال که شیوا تقریباً آزادی‌های فردی خود را داراست و می‌تواند برای مسائل مربوط به خودش به‌تنهایی تصمیم بگیرد، در خانواده قدرت کمتری دارد. تصمیم‌گیری برای خانواده بر عهده جاوید است و او نیز معمولاً بدون نظرخواهی از شیوا کارها را پیش می‌برد. خانه‌ای را که قرار است در آن زندگی کنند جاوید انتخاب می‌کند و نظر شیوا اهمیتی ندارد (وفی ۱۳۹۶: ۳۸). جاوید تنها فرد خانواده است که درآمد دارد و شاید به همین دلیل اختیار زندگی را به‌تنهایی در دست دارد.

شخصیت زینت در رمان و دیگران زنی است که به دلیل قدرت مالی‌ای که دارد نقش پررنگ و مؤثری در خانواده ایفا می‌کند و به‌طور کلی اداره امور خانه با اوست. زینت زنی مستقل است، کارگاه خیاطی دارد و پس از اخراج همسرش از محل کار، به‌تنهایی هزینه‌های خانواده را تأمین می‌کند. یکی از نمودهای قدرت زینت، انتخاب نام فرزندان است. او نام بهار را برای دخترشان انتخاب کرده و نام پسر را نیز به انتخاب زینت در شناسنامه رضا می‌گذارند، اما همسرش با این اسم مخالف بوده و پسر را بابک صدا می‌زد. با بزرگ‌تر شدن پسر، نام رضا پیروز می‌شود و در واقع عقیده زینت بر مرد غالب می‌شود. راوی این رمان، بچه‌دار شدن را لازمه قدرت زنان در رابطه زناشویی می‌داند و معتقد است زنی که فرزند ندارد جایگاه امن و محکمی در خانواده ندارد.

زنان و جامعه

رمان‌های دهه ۱۳۸۰ چندان به نمایش زنان در اجتماع نپرداخته‌اند. ارتباط زنان با جامعه را فقط از بطن گفت‌وگوها یا خاطرات شخصیت‌ها می‌توان استخراج کرد. از همین اطلاعات اندک موجود در رمان‌ها پیداست که شخصیت‌های زن وارد اجتماع شده‌اند و فقط به خانه و خانواده محدود نیستند. بیشتر زنان تحصیل کرده‌اند و شغلی خارج از منزل دارند. شعله کارمند بیمارستان است. راوی رمان و دیگران و دوستش راضیه هر دو در شرکتی مشغول به کار هستند و مخارج خانواده را نیز تأمین می‌کنند. شیوا شاغل نیست، اما قبل از ازدواجش با جاوید در فعالیت‌های سیاسی شرکت داشته و با افراد و گروه‌های مختلفی در رفت و آمد بوده است. او طی همین فعالیت‌ها با جاوید آشنا شده و آن دو بعد از ازدواجشان باهم به فعالیت‌های خود

ادامه می‌دهند. همان‌طور که گفته شد، نویسندگان این دهه به تعاملات اجتماعی شخصیت‌ها و نحوه حضور و فعالیت آنان در جامعه نپرداخته‌اند و به همین سبب نوع نگاه جامعه را به زنان در داستان‌ها نمی‌بینیم.

بررسی رمان‌های دهه نود

پاییز فصل آخر سال است

این رمان به نویسندگی نسیم مرعشی در سال ۱۳۹۳ توسط نشر چشمه منتشر شد و توانست عنوان رمان برگزیده جایزه ادبی جلال آل‌احمد را از آن خود کند. در این رمان، به‌طور موازی دو روز از زندگی سه زن روایت می‌شود. دو روز در دو فصل سال: تابستان و پاییز. سه شخصیت لیلا، شبانه و روجا هر سه دانشجویان رشته مکانیک هستند که روز اول دانشگاه با یکدیگر آشنا شده‌اند. لیلا درگیر افسردگی پس از جدایی از همسرش است، شبانه مردد است که با مردی که دوستش ندارد ازدواج کند یا تنهایی‌اش را بپذیرد و روجا در انتظار پذیرش دانشگاه فرانسه مانده است. هریک از آن‌ها ماجراهای گوناگونی نیز از گذشته تا اکنون دارند که در طول داستان از زاویه دید اول‌شخص بیان می‌شود.

ناتمامی

این اثر، دومین رمان زهرا عبدی است که در سال ۱۳۹۵ توسط نشر چشمه منتشر شده است. *ناتمامی* تندیس بهترین رمان سال از جایزه ادبی هفت‌اقلیم را از آن خود کرده و همچنین نامزد نهایی دو جایزه ادبی شیراز و احمد محمود شده است. محور رمان ناپدیدشدن عجیب و مرموز دختر دانشجوی جنوبی (لیان) است که دوست و هم‌اتاقی‌اش سولماز برای پیدا کردن او به مسیرهای جدیدی ورود پیدا می‌کند و افراد گوناگونی را دیدار می‌کند. این جست‌وجوها تأثیر بسیار زیادی در هویت سولماز دارد و خصوصیات منفی شخصیت او را کمرنگ می‌کند.

مصادیق خشونت در زندگی شخصیت‌های زن

خشونت علیه زنان در رمان‌های دهه ۱۳۹۰، همانند جامعه این دهه کاملاً از بین نرفته؛ اما کمتر به چشم می‌خورد و متفاوت از رمان‌های دهه‌های قبل است. رنج‌های روحی و روانی، نه صرفاً به سبب وابستگی و عدم استقلال، بلکه به دلایل دیگر بر آنان تحمیل می‌شود. سولماز در رمان *ناتمامی* برای تحصیل در تهران ساکن است؛ اما خانواده‌اش در تبریز زندگی می‌کنند و از همان راه دور مدام سولماز را زیر نظر دارند و در تصمیمات او دخالت می‌کنند. مادر قصد دارد سولماز را به همسری پسر خواهرش دربیآورد، در این قضیه هم اصرار دارد و به مخالفت او توجهی نمی‌کند (عبدی ۱۳۹۳: ۶۹). در جایی از داستان، سولماز با زندگی دختری که یک قرن قبل از او

می‌زیسته، اما شباهت ظاهری بسیار زیادی با او دارد، آشنا می‌شود و پی می‌برد که با گذشت سال‌های بسیار هنوز هم تفکراتی وجود دارد که زنان نسل جدید را به زنان نسل‌های گذشته پیوند می‌دهد و سرنوشتی مشابه برایشان رقم می‌زند. مدرن‌شدن زندگی‌ها و پیشرفت در زمینه‌های مختلف هم هنوز نتوانسته جلوی برخی تبعیض‌های جنسیتی و سلطه بر زنان را بگیرد. یک چیز من و آن عکس به جز بینی‌مان خیلی شبیه هم است؛ با اینکه صد سال گذشته، هنوز هم می‌شود دختری را به زور شوهر داد (همان: ۲۲۶).

نویسندگان این دهه نیز به مزاحمت‌های خیابانی، آزار و اذیت و سوءاستفاده جنسیتی از زنان اشاره‌هایی کرده‌اند. زنان همچنان نمی‌توانند با امنیت خاطر لحظاتی را در خیابان منتظر بمانند (همان: ۱۳۰). نمونه‌ای از سوءاستفاده جنسیتی، برخورد مرد ختیری است در مرکز کودکان کار که در ازای کمک مالی، به دختر جوانی درخواست صیغه می‌دهد.

شنیدم یکی از اون ختیرها می‌گفتند پول دار و باسواد هم بود، ازش خواسته بود صیغه کنند. قبول نکرده بود... (همان: ۱۹۷).

زنان در دیدگاه بیشتر مردان ارزشی ابزارگونه دارند و تصور مردان این است که باید در ازای هر نوع کمک و لطفی به زنان، از آنان بهره‌ای ببرند. نمونه مشابه همین موضوع، استاد دانشگاه سولماز است که قصد دارد با اعطای امتیازهای علمی به سولماز و فاش کردن سوالات مصاحبه دکتری برای او، او را به طرف خود بکشاند. این استاد سعی می‌کند راه صمیمیت با سولماز را بگشاید و از این طریق به او نزدیک‌تر شود (همان: ۱۷۵). سولماز همچنین خاطره‌ای را از دوران کودکی خود به یاد می‌آورد که پسرخاله‌اش باعث آزار و اذیت او شده و قصد سوءاستفاده از او را داشته است (همان: ۱۹۹).

نویسنده رمان *نا تمامی* از چندهمسری مردان، که هنوز هم در برخی مناطق رواج دارد، می‌نویسد. او شخصیتی می‌آفریند که برای فرار از حضور زنان دیگر در زندگی‌اش به هم‌دستی با قاچاقچیان روی می‌آورد و از این طریق به امرار معاش و ادامه زندگی می‌پردازد.

یک شب شوهرم با دختر سیزده‌ساله‌ای برگشت خانه. صدایم کرد و گفت از امشب بهیبه با ماست. آفتاب نرده بود که خانه‌اش را ترک کردم. من دختر زن سوم پدرم بودم. نمی‌خواستم دخترم جایی بگوید من از زن اول یا دوم یا سوم فلانی‌ام (همان: ۲۲۱).

نکته دیگری که در این متن وجود دارد، سن‌وسال دختری است که حاضر شده به خانه آن مرد برود و همسر دوم او باشد.

همان‌طور که گفته شد، در رمان‌های این دهه خشونت کمتری علیه زنان به چشم می‌خورد و به جز مواردی که ذکر شد، زنان و دختران در شرایط بهتری به سر می‌برند. پدران نه‌تنها از داشتن فرزند دختر شرمگین و دلگیر نیستند، بلکه روابط بسیار خوب و دوستانه‌ای نیز با دخترانشان دارند. آن‌ها خود را صاحب‌اختیار دختران نمی‌دانند و برای آنان تصمیم نمی‌گیرند. لیلا پدرش را تکیه‌گاه محکمی می‌داند و در سخت‌ترین شرایط به او پناه می‌برد. این پدر به

همه خواسته‌های دخترش احترام می‌گذارد. پدر شبانه نیز مردی روشنفکر است که همه اختیارات مربوط به زندگی دخترش را به خود او سپرده و هیچ دخالتی در کارها و تصمیمات او ندارد. در رمان *ناتمامی* نیز پدر لیان مردی روشنفکر بوده که تفکرات پدرسالارانه در تربیت فرزندانش نقشی نداشته.

پدرش تنها ناخدایی بود که می‌گذاشت وقت پهلو گرفتن دخترش بیاید توی لنج (همان: ۵۶).

در رمان‌های این دهه، قبح طلاق و زن مطلقه نیز از بین رفته و لیلا، که زنی مطلقه است، در روابط خود با اجتماع و مردان احساس بدی ندارد و دیدگاه افراد جامعه به این زنان، نسبت به رمان‌های دهه‌های قبل، بسیار متفاوت و احترام‌آمیز شده است.

هویت‌یابی زنان

همان‌طور که اکثریت زنان در جامعه دهه ۱۳۸۰ هویت خود را به‌عنوان افرادی مستقل می‌شناسند، شخصیت‌های زن رمان‌های دهه ۱۳۹۰ نیز از مرحله هویت‌یابی گذر کرده و به خودباوری رسیده‌اند. در این رمان‌ها، تبعیض‌های جنسیتی در خانواده‌ها کمتر است و دختران اغلب احساس حقارت در برابر مردان و جنس دوم بودن را تجربه نمی‌کنند. آن‌ها خود واقعی‌شان هستند، الگوی از پیش تعیین‌شده‌ای برای سبک زندگی و اهداف خود ندارند و هرگز وادار به تظاهر، سرکوب و زندگی کردن در نقاب و نقش دیگری نمی‌شوند. زنان دارای استقلال هستند و تنها به دنبال خواسته‌های خود می‌روند. شخصیت‌های لیلا، روجا و شبانه در رمان *پاییز فصل آخر سال است* و شخصیت‌های لیان و سولماز در رمان *ناتمامی* همگی شخصیت‌های مستقلی هستند که برای ازدواج، روابط، شغل و مکان زندگی خود تصمیم می‌گیرند، به مردان وابسته نیستند و می‌توانند بدون حضور آنان نیز به زندگی خود ادامه دهند. به‌طور کلی شخصیت‌های زن به فردیت رسیده‌اند و مسئله هویت و هویت‌یابی در این رمان‌ها مطرح نیست.

قدرت زنان در نهاد خانواده

در رمان‌های دهه ۱۳۹۰، تحول قدرت زنان نسبت به رمان‌های دهه‌های پیشین کاملاً مشهود است. در خانواده‌ها قدرت به طور مطلق در دست مردان نیست؛ زنان نیز به اندازه مردان در تصمیمات خانواده مشارکت دارند. آنان درباره مسائل خود و خانواده با یکدیگر مشورت می‌کنند و تصمیمات تنها از جانب یک نفر رد یا تأیید نمی‌شود. لیلا این قدرت را دارد که در برابر خواسته همسرش بایستد و خواست خودش را، که ماندن در ایران است، به رفتن با همسرش ترجیح دهد. زنان این رمان‌ها از همه لحاظ به قدرت رسیده‌اند و هر نوع تصمیمی برای خود و زندگی‌شان برعهده خودشان است. روجا تصمیم می‌گیرد به خارج از کشور سفر کند و در این تصمیم، کسی مانع او نمی‌شود. لیان با استقلال کامل به تحصیل، فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و کار می‌پردازد

و تصمیم‌گیرنده همه امور زندگی خویش است. یکی از دلایل قدرت شخصیت‌های زن، علاوه بر استقلال مالی، تحصیلات است. با بالاتر رفتن تحصیلات، هم‌زمان با افزایش دانش و اطلاعات، قدرت اختیار و استقلال زنان نیز بیشتر می‌شود. یکی از دلایل سولماز برای ادامه تحصیل، ماندن در تهران و به‌دست‌آوردن استقلال فردی است. او می‌خواهد با پذیرش در مقطع دکتری از رفتن به تبریز سرباز زند و ازدواج با پسرخاله‌اش را به تعویق بیندازد.

زنان و جامعه

تأثیر حضور گسترده زنان در جامعه دهه ۱۳۹۰ و تثبیت جایگاه آنان به‌عنوان افرادی توانا در رمان‌های دهه ۱۳۹۰ به‌وضوح آشکار است. شخصیت‌های زن در رمان‌های این دهه، به‌خانه و خانواده محدود نیستند و جامعه و حضور و فعالیت در آن بخشی از هویت آنان است. نویسندگان، زنان را در محل کار، دانشگاه، مکان‌های عمومی و... توصیف می‌کنند و نشان می‌دهند که زنان بخش فعال جامعه هستند. اشتغال انتخاب زنان است بدون آنکه نیاز مالی داشته باشند (مرعی ۱۳۹۶: ۱۳).

همه شخصیت‌های زن تحصیل کرده‌اند و بیشتر آنان تحصیلات خود را تا مقطع دکتری ادامه می‌دهند. آنان در محیط دانشگاه در فعالیت‌های جنبی نیز شرکت می‌کنند. لیان، شخصیت گم‌شده رمان *ناتامی*، علاوه بر اینکه از لحاظ درسی سطح بسیار بالایی دارد و رتبه یک رشته خود است، عضو فعال کانون و انجمن ادبیات در دانشگاه است و بیشتر فعالیت‌ها و حرکت‌های مهم را ساماندهی می‌کند. لیان همچنین در مرکز کودکان کار دروازه غار تهران نیز به‌عنوان معلم فعالیت می‌کرده و در شرایط گوناگون برای حل مشکلات آنان تلاش می‌کرده است. به‌طور کلی، شخصیت لیان نماینده زن معاصر است که خود را به دلیل جنسیتش محدود نمی‌کند و از تمام فرصت و انرژی خود برای مؤثر بودن بهره می‌برد.

زنان این رمان‌ها با اراده و توانایی‌هایی خود حضور پیدا کرده و از منفعل بودن به فاعل بودن رسیده‌اند. مردان نیز پذیرفته‌اند که زنان دوشادوش آنان در محیط‌های اجتماعی حضور داشته باشند و این در روابط بین زنان و مردان رمان‌ها آشکار است. با این حال، زنان هنوز از یک‌سری آزادی‌های اجتماعی محروم‌اند و دیدگاه کلی جامعه نیز برای آنان محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد. سولماز از دختری که در خوابگاه دانشجویی آن‌هاست می‌گوید که صدای زیبایی دارد و آواز می‌خواند. اما زمانی که فیلم آواز خواندن او بین دیگران پخش می‌شود و در صفحات مجازی مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود، حراست دانشگاه به این موضوع پی می‌برد و آن دختر از آواز خواندن منع می‌شود (عبدی ۱۳۹۳: ۲۳).

برخی از شخصیت‌های زن نیز در جامعه از جنسیت خود سوءاستفاده‌های گوناگونی می‌کنند. آنان سعی دارند با تکیه بر زنانگی، به خواسته‌های خود در برابر مردان برسند و این نیز یکی از جلوه‌های حضور زنان در جامعه تصویر شده در رمان است. نویسنده برای بیان این

مسئله به چند مورد اشاره می‌کند. زنان کولی که برای دزدی اجناس مختلف، خود را به شکل‌های جالب توجهی می‌آرایند و در پاساژهای گران‌قیمت حاضر می‌شوند؛ یا سولماز که برای کسب امتیاز علمی جهت پذیرش در مقطع دکتری سعی دارد خود را در دل استاد جعفری جا کند و دانشجویان دختری که به گفته سولماز پس از یک ترم می‌آموزند از زنانگی خود کسب درآمد نیز بکنند.

چیزی که بیشتر دخترهای تازه‌رسیده به خوابگاه، ترم یک تمام‌نشده در خیابان‌های فرعی علامه شمالی تجربه‌اش می‌کنند و کم‌کم یاد می‌گیرند در قبالش چیزی هم دریافت کنند (همان: ۵۲).

جدول ۱. مقایسه رمان‌های سه دهه

مصادیق خشونت	هویت یابی	قدرت در خانواده	زنان و جامعه
<ul style="list-style-type: none"> - خشونت جسمی و تنبیه بدنی - توهین، تحقیر و قضاوت - خیانت و چندهمسری - سوءاستفاده جنسی 	<ul style="list-style-type: none"> - پیروی از الگوی هویتی ثابت - نداشتن هویت فردی و استقلال 	<ul style="list-style-type: none"> - قدرت مطلق مردانه - دخالت نداشتن زنان در تصمیم‌گیری‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم امنیت کافی برای حضور در جامعه - سطح تحصیلات پایین یا بی‌سوادی - روی آوردن به اشتغال از روی اجبار
<ul style="list-style-type: none"> - سرکوب زنانگی - خیانت - سوءاستفاده‌های جنسی 	<ul style="list-style-type: none"> - دغدغه هویت یابی - سیر در خاطرات و وقایع گذشته برای بازسازی هویت آسیب‌دیده 	<ul style="list-style-type: none"> - صاحب‌اختیار در امور شخصی - کاسته شدن از قدرت مطلق مردان در برخی از موارد خانوادگی 	<ul style="list-style-type: none"> - محدود نبودن زنان به خانه و خانواده - تحصیلات دانشگاهی - اشتغال و استقلال مالی (بیشتر شخصیت‌های زن)
<ul style="list-style-type: none"> - خشونت کم و متفاوت از دهه‌های قبل - سوءاستفاده‌های جنسی - اجبار به ازدواج و چندهمسری (تنها در یک مورد) 	<ul style="list-style-type: none"> - گذر از مرحله هویت یابی و رسیدن به خودباوری - استقلال 	<ul style="list-style-type: none"> - صاحب اختیار در امور شخصی - تقسیم قدرت بین زن و مرد در نهاد خانواده - هم‌فکری و مشورت در تصمیم‌گیری‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - حضور فعال در جامعه - تحصیلات تا مقاطع ارشد و دکتری - اشتغال و استقلال مالی - شرکت در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی - روابط کاری و دوستانه با مردان - استفاده از زنانگی برای رسیدن به اهداف

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌ها در این مقاله نشان می‌دهد که تحول در دیدگاه نویسندگان زن و محتوای رمان‌ها با تحولات جامعه ایران پیش رفته است و نویسندگان، خواه‌ناخواه، از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه زمان خود تأثیر پذیرفته‌اند. در ایران دهه ۱۳۷۰، برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی، شاهد حضور گسترده زنان در جامعه هستیم. تحولات اجتماعی و فرهنگی، سبب دگرگونی نقش زنان و افزایش آگاهی آنان شده است؛ اما بیشتر زنان همچنان به خانه‌ها محدودند، در جامعه حضور پیدا نکرده‌اند و از حقوق و حوزه اختیارات خود اطلاعی ندارند. تفکر غالب جامعه نیز تفکری مردسالارانه است و بسیاری از فرهنگ‌ها و سنت‌های ضدزن در فضای خانواده‌ها و جامعه پابرجاست. نویسندگان زن این دوره نیز به بازتاب فرهنگ مردسالارانه و تأثیرات آن بر زندگی زنان پرداخته‌اند. آنان از خشونت‌های جسمی و روانی علیه زنان و رنج‌ها و شرایط دشوار آن‌ها می‌نویسند. خواسته و آرزوهای شخصیت‌های زن این رمان‌ها رهاشدن از سنت‌ها و وابستگی‌هایشان است؛ آن‌ها می‌خواهند با مشارکت اجتماعی به رشد و استقلال فردی و مالی برسند. در هر دو رمان بررسی شده از این دهه، شخصیت‌های اصلی مسیر پر فراز و نشیبی را برای تحول فردی و هویتی خویش پشت سر می‌گذارند.

در دهه ۱۳۸۰، زنان با حضور گسترده‌تری در بازار کار و مشاغل دولتی و غیردولتی فعالیت داشته و به استقلال مالی رسیده‌اند. از طریق رسانه‌های گوناگون و با فراگیر شدن اینترنت و تلفن همراه، عموم زنان نیز از حقوق خود آگاه و با فعالیت‌های زنان دیگر در سراسر دنیا آشنا شده‌اند. درحالی‌که نیاز به رهایی از سنت‌ها و آموزه‌های مردسالارانه به سبب تحول فکری و هویتی، بیش از قبل در وجود زنان احساس می‌شد، جامعه در قسمتی از مسیر، تحول در زمینه مسائل مربوط به زنان را متوقف کرد و خواسته‌ها و مطالبات آنان از قوانین و فرهنگ جامعه پیشی گرفت. مردان نیز در جهت حفظ جایگاه برتر خویش و نگرش‌های سنتی به جنس زن، با این وقفه همراهی نشان دادند و این تعارض‌ها بین زنان و مردان سبب از هم پاشیدن خانواده‌ها و افزایش میزان طلاق شده است. نویسندگان زن این دهه نیز بیش از هر زمان دیگری به مسائل هم‌جنسان خویش پرداخته‌اند و بحث هویت زنان در آثار آنان بسیار پررنگ است. شخصیت‌های زن در خانواده‌هایی سنتی و مردسالار متولد شده‌اند و هویت آنان به شدت آسیب دیده است؛ اما با قرار گرفتن در شرایطی به‌خصوص، متحول می‌شوند و با واکاوی در گذشته و خاطرات، به بازسازی هویت خود می‌پردازند. شخصیت‌های مرد اما تحول زنان را نمی‌پذیرند و اختلاف‌ها، جدایی‌ها و سست شدن نظام‌های خانوادگی در رمان‌های این دهه آشکار است.

در رمان‌های دهه ۱۳۹۰ نیز، هم‌سو با شرایط جامعه در این دهه، شخصیت‌های زن، جایگاه خود را به‌عنوان افرادی مستقل و توانمند به اثبات رسانده‌اند. مطالبات تساوی‌طلبانه زنان فزونی یافته و دغدغه‌ها و اهداف آنان بسیار متفاوت از شخصیت‌های زن دهه‌های پیشین است.

شخصیت‌های مرد، تحول نقش‌های زنان را پذیرفته و از سلطه و اقتدار خود کاسته‌اند. همچنین، بالارفتن سن ازدواج دختران را می‌توان در تجرد بیشتر شخصیت‌های زن دو رمان مشاهده کرد. شخصیت‌هایی که هریک در آستانه سی‌سالگی تن به ازدواج نداده و به دنبال اهداف دیگری هستند.

تطبیق رمان‌ها با جامعه زمان نگارش آن‌ها، نشان از تأثیر بسیار زیاد تحولات اجتماعی و فرهنگی هر دهه بر دیدگاه نویسندگان و محتوای رمان‌ها دارد. نویسندگان زن با نوشتن از خشونت‌ها و نابرابری‌ها، اعتراض خود را به شرایط موجود بیان می‌کنند. آن‌ها قهرمانانی می‌آفرینند که از جامعه پیشی می‌گیرند و با سنت‌شکنی و ایستادگی در برابر سلطه مردانه، از شرایط دشوار خود جدا می‌شوند و به استقلال و فردیت می‌رسند. این شخصیت‌ها کسانی هستند که زنان جامعه آرزوی تبدیل شدن به آن‌ها را دارند و نویسندگان زن با ارائه چنین الگوهایی، مخاطبان خود را تشویق می‌کنند تا درباره هویت خویش به کندوکاو و تفکر بپردازند، حقوق خود را بشناسند و برای دستیابی به آن تلاش کنند.

منابع

- ارمی، سیما؛ فتوحی، محمود؛ تقوی، محمد؛ و خلیلی، محسن (۱۳۹۶). «بازنمایی جنسیت در رمان لالایی برای دختر مرده اثر حمیدرضا شاه‌آبادی»، *مجله جستارهای نوین ادبی*، س ۵۰، ش ۲، ص ۲۵-۵۶.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۴، ش ۱۴، ص ۵۹-۹۶.
- بیران، صدیقه (۱۳۸۱). *نشریات ویژه زنان*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بشیری، محمود؛ محمودی، معصومه (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درون‌مایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن‌محور زنان داستان‌نویس (۱۳۰۰-۱۳۸۰)»، *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، دوره ۱۵، ش ۴۷، ص ۵۱-۸۰.
- پاک‌نیا، محبوبه؛ صادقی‌پویا، مهدیس (۱۳۹۷). «بازنمایی جنسیت در رمان کلیدر»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ش ۱۱، دوره ۴، ص ۸۹-۱۱۲.
- پاینده، حسین (۱۳۹۷). *نظریه و نقد ادبی (درس‌نامه‌ای میان‌رشته‌ای)*، ج ۲، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۳). *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*، تهران: روزنگار.
- پرستش، شهرام (۱۳۸۳). «نظریه رمان جورج لوکاک»، *کتاب ماه*، ش ۷۸.
- پرستش، شهرام؛ ساسانی‌خواه، فائزه (۱۳۸۹). «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۲، ش ۴، ص ۵۵-۷۴.
- تابناک (۱۳۹۳). *ممیزی کتاب در دولت روحانی چگونه است؟*: tabnak.ir/fa/news/455479
- خجسته، فرامرز؛ فسایی، جعفر (۱۳۹۶). «بازتولید مناسبات سلطه در رمان شوهر آهو خانم»، *نشریه نقد و نظریه ادبی*، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۷-۳۸.

- ربیعی، کامران (۱۳۸۵). «تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی دولت در ایران پس از انقلاب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- رحمانی، سپیده (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل ده رمان مشهور ادبیات معاصر ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تبریز.
- رحیمی، رضوان (۱۳۹۵). «جستاری درباره دگرگونی‌های انواع ادبی در حماسه»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، س ۷، ش ۱، ص ۶۸-۸۷.
- روانی پور، منیرو (۱۳۹۷). کولی کنار آتش، چ ۱۵، تهران: مرکز.
- زیباکلام، صادق؛ افشاری، داوود؛ اصلان‌زاده، عبدالله (۱۳۸۹). «علل روی کار آمدن خاتمی (دولت اصلاحات) براساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۲، ش ۳، ص ۵۱-۷۶.
- سبزه‌ای، محمدتقی (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناسی حوزه عمومی در ایران پس از انقلاب»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۲، ش ۷۱، ص ۴۸-۸۹.
- سراج، علی (۱۳۹۴). گفتمان زنانه (روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- شاملو، سپیده (۱۳۹۶). انگار گفته بودی لیلی، چ ۱۸، تهران: مرکز.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). نقد ادبی، ویراست دوم، تهران: فردوس.
- عباس‌نیا، اکرم (۱۳۸۷). «مشارکت سیاسی زنان در دولت اصلاحات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدی، زهرا (۱۳۹۳). ناتمامی، چ ۸، تهران: چشمه.
- علی‌زاده، خدیجه (۱۳۹۰). «بررسی روند تغییر مسائل اجتماعی شهر تهران در سی سال اخیر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- غلام‌حسین‌زاده، غلام‌حسین؛ طاهری، قدرت‌الله؛ حسینی، سارا (۱۳۹۱). «سیر ادبیات زنان در ایران از ابتدای مشروطه تا پایان دهه ۱۳۸۰»، نشریه تاریخ ادبیات (پژوهش‌نامه علوم انسانی)، دوره ۶، ش ۷۱، ص ۱۹۹-۲۱۲.
- قاسم‌زاده، علی؛ علی‌اکبری، فاطمه (۱۳۹۵). «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی‌تو از من»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲۴، ش ۸۰، ص ۱۸۱-۲۰۵.
- کار، روح‌انگیز (۱۳۸۰). مشارکت سیاسی زنان: موانع-امکانات، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- کوندرا، میلان (۱۳۶۷). هنر رمان، ترجمه پرویز همایون پور، تهران: گفتار (تاریخ اصل اثر: ۱۹۸۶).
- گروه فرهنگ و هنر (۱۳۹۵). نگاهی به کارنامه فرهنگی و هنری دولت تدبیر و امید. عبارت: ebaarat.ir/content/news/3468
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چ ۹، تهران: نی.
- مایلز، رزالیند (۱۳۸۰). زنان و رمان، ترجمه علی آذرنگ، تهران: روشنگران و مطالعات زنان (تاریخ اصل اثر: ۱۹۸۷).
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی، تهران: گل‌آذین.
- مرعشی، نسیم (۱۳۹۶). پاییز فصل آخر سال است، چ ۲۹، تهران: چشمه.

- معاونت امور زنان و خانواده (۱۳۹۸). گزارش اقدامات سال ۱۳۹۷ معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده به دکتر روحانی. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت: dolat.ir/detail/321054
- معاونت امور زنان و خانواده (۱۳۹۷). آمارهایی از میزان تحصیلات زنان. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت: dolat.ir/detail/314830
- مقصودی، مجتبی؛ راهبر، اهورا (۱۳۹۴). «نگرش انتقادی از درون به اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۱۱، ش اول، ص ۲۳۸-۲۱۳.
- میرقدیری، محبوبه (۱۳۹۳). و دیگران، چ ۵، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- نجفیان، آزاده؛ حسام‌پور، سعید؛ پورگیو، فریده (۱۳۹۸). «تحلیل انتقادی گفتمان‌های قدرت و جنسیت در آثار نویسندگان زن دهه ۱۳۸۰»، نشریه زن و جامعه، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۱۴۹-۱۶۷.
- وفی، فریبا (۱۳۹۶). رؤیای تبت، چ ۲۰، تهران: مرکز.
- هوشمند، فرزانه (۱۳۸۹). «جریان‌شناسی جنبش زنان در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۸۸-۱۳۵۷)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- ولی‌زاده، وحید (۱۳۸۷). «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی»، نشریه نقد/دبی، دوره اول، ش اول، ص ۱۹۱-۲۲۴.

